

مادر، از دریچه‌ای دیگر

به بهانه زادرز سعدی سینمای ایران؛ علی حاتمی

عاطفه طهماسبی

دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

علی حاتمی، در فاصله زمانی ۲۳ مرداد سال ۱۳۲۳ تا ۱۵ آذر ۱۳۷۵ زیست. وی متولد تهران، خیابان شاهپور، خیابان مختاری بود؛ محدوده‌ای در بافت سنتی تهران که بسیاری از شخصیت‌های فیلمنامه‌های حاتمی و کلام و مرامشان نیز از آنجا برخاسته بودند. از جمله فیلم‌های به یادماندنی علی حاتمی فیلم «مادر» است. «مادر» (۱۳۶۸) با بازی درخشان هنرمندانش و موسیقی به یادماندنی ارسلان کامکار و دیالوگ‌های ماندگارش، سال‌هاست که از محبوب‌ترین فیلم‌های سینمای ایران است. تصویر اسطوره‌ای حاتمی از مادری ایرانی، برگ برنده فیلم در مواجهه با مخاطب است که عواطف آنان را تحت تأثیر خویش قرار می‌دهد. «مادر»، ماجرای روزهای پایانی مادری پیر است که در خانه سالمندان به سر می‌برد. او که بعد از سال‌ها تلاش و تحمل مشکلات بسیار و بزرگ کردن فرزندانش، اکنون در آستانه مرگ قرار گرفته، از فرزندانش می‌خواهد که او را به خانه قدیمی‌شان ببرند و همه در این روزهای پایانی، در آنجا جمع شوند. مادر در این فیلم می‌تواند نمادی از دو رکن باشد: ۱- نوع مادر در تمام اعصار و فرهنگ‌ها؛ چنانکه از نامش نیز برمی‌آید که ساراست و سارا نامی جهانی است؛ ضمن اینکه سارا به معنای خالص و ناب است و بی‌پیرایه از هر آلودگی ۲- و نیز نماد وطن که فرزندان از هر نوع و با خلیقات متفاوت و بعضاً متضاد را در خود جای داده است؛ فرزندان که با وجود تمام تفاوت‌ها و اختلاف سلیق و حتی رنجش‌ها و دلخوری‌ها، در بحران‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند. مرحوم رقیه چهره‌آزاد، با چهره‌ای گرم و آرام و باصلاط، نمادی است از وطن که با تاریخچه پرفراز و نشیب خود، روزگار سخت و شیرین، پس پشت گذاشته است و در پایان دوران پرشکوه خود می‌خواهد فرزندان را در کنار خود ببیند و همه را بر سر یک سفره جمع کند تا این خانه ویران نشود. مادر، تفرقه را بین فرزندان می‌بیند و از آن آزرده است و بر آن است تا رنجش‌ها و تفرقه‌ها را از میان بردارد. فرزندی (ماه‌منیر) از شمال می‌آید، فرزندخوانده‌ای از جنوب (جمال). در این خانه به روی تمام فرزندان باز است و به روی اغیار بسته؛ اقوام سببی در خانه مادری (وطن) راه ندارند و پشت در می‌مانند و فقط فرزندان که از یک ریشه‌اند در آن گرد هم می‌آیند. پدر؛ مرحوم سلطان قلی خان



ناصری نظام لشکر، در واقعه مسجد گوهرشاد، از حکم تیر تمرد کرد و برای حفظ ناموس وطن در خاک تبعید، اسارت کشید تا جان داد و مادر (وطن) محکم‌ترین حامی او بود. پدر گمان می‌کند که با تمردش، خانه را ویران کرده و مادر بر این باور است که: «تا من هستم این سقف‌ها جرأت زمین ریختن ندارند. سارا، ستون سنگی سختی است ایستاده زیر این توفان‌های باران خورده.» هر چند پدر سرخورده است که تمرد کرده و خانواده را به زحمت و سختی انداخته؛ زیرا «عاقبت آن جماعتی که پناه آورده بودند به مسجد گوهرشاد به خاک و خون افتادند.» اما مادر به صحت کار پدر ایمان دارد و حنجره شوهر را شریف می‌داند که صادرکننده حکم تیر نبوده است و ستاره‌های شرف را بر پیشانی او می‌بیند؛ همچون وطن که همواره بزرگانی را که در راه آزادی و اعتلایش کوشیده‌اند، ارج نهاده است. مادر (وطن) تمام فرزندان را در کنار هم می‌خواهد؛ یکی روشنفکر است و دیگری عقب‌مانده، یکی عارف است و شاعر، دیگری گمراه و بدزبان، خواهری حساس و کم‌حرف است و خواهری زبان‌آور و بانشاط، برادری روح‌لطیفی دارد و آن دیگری زبانی گزنده؛ از صنفاها و طبقات مختلف و متفاوت‌اند، با باورها و دانش‌های متفاوت. برادری، عقیم است و غمگین، خواهری، بارور است و شکوفا. مادر همه را در کنار هم و مهربان با هم می‌خواهد، حتی ناپسری را که یادگار تبعید پدر در دیار جنوب بوده و از مادری دیگر است؛ زیرا مرد بی‌سامان در تبعید به خواست سارا همسری گرفت و به خاطر شکوه شوهر و عزت زنانه سارا، پشت ابر غرور پنهان بود، اما چون با دیگر فرزندان از یک ریشه است به خانه فراخوانده می‌شود. مادر می‌تواند ام‌وطن باشد و مهرش حب وطن که فرزندان از شرق تا غرب، از شمال تا جنوب، فرهیخته و کم‌دانش را دلسوز و مهربان یکدیگر می‌خواهد. فیلم «مادر»، فقط فیلمی در تکریم مقام مادر نیست که با دقت در ارکانش می‌توان دریافت، مادر، بیان صلابت، مهربانی و استواری وطن است که در شداپد و مصایب، حامی فرزندان است و آنها را زیر سایه خود گرد هم می‌آورد.